

# آشتفتگی غرائز و میلها

مسائل دا یات‌جا بهدیدن و از جوابه بکر خفعت کردن گاهی زیانهای جبران شایع‌تری بدنبال خود باور دارد.

کادشاو کشفیات ده آن در یک قرن اخیر ثابت کرد که سرکوبی غرائز و تمایلات، بالاخص غریبان‌جنسی، هنرات و ناراحتیهای غرائی پیار می‌باشد، معلوم شد اصل که مورد قبول شاید اکثریت شکرین قدمی بود که هر انداز غرائز و تمایلات طبیعی خوبند، تنگیهای شوندیدان برای غرائز و غرایی های عالمیتر مخصوصاً قوهای اسلامی بازترین مانع ترمیم‌خواهد انسان ندارد، غرائز سرکوب شده و از جای خود رفته، پنهان از مشور طاهر، سرماگان را اطیع می‌گذارند که جهاد قدری و چهارچشم اجتماعی فوق‌العاده برای پسر گران نسیم می‌شود و برای اینکه تمایلات و غرائز طبیعی بیشتر تجسس شکوت‌ستقل دائمی شود و آثار تحریم پیاری‌باور نه باید تا حد امکان اذسر کوب شده و ذهن خوردگی و از اشده آنها جلوگیری کرد.

دو اندیمان در شهیاری از عوارض غرائز کنند، عصی و بیماریهای روانی و اجتماعی را احساس «خر و بیت مخصوصاً در زینه‌ای امور جسمی تشهیض دادند، ثابت کردند که محرومیت اینها اثکیل‌عند هم، و عنده‌حال اینها بدورت هنرات خطر کی مانند میل به فحلم و جذبات، کیم، حسادت، ارزوا و گوشگیری، پدیدهای فیزیکی احتیاط می‌باشند.

اصل بالا در موضوع ذراخهای سرکوب کودن غرائز از نوع کشفیات فوق الاداء، بالارزش در این است و در ورده بکار نمیراند، بولتیهای پسر است.

هر دم غالباً بواسطه این بهجهه ساخت آشناشی پیشتر آنها برای گفتگویی ازدش رسید، قائل می‌شود که در زینه‌ای امور فتن و منعنی و استهدام قوای طبیعت بی جان سودت گرفته باشد، اما کشفیات کواد زیست‌هماسائل در جسی و دو ایمپرسات می‌گیرد که مورد توجه علماء دم‌متواتد قرار گیرد، ولی از بطری مردم داشتمند و آنگاه اهمیت مطلق محفوظ است.

هر چند کم بیش در حکمتهاشی که از گذشتگان پیاد کار نماید، و بالاخص در آثار اسلامی (پنجم در صفحه ۵۰)

سال هفتم

(۱۶) آذ سنگ

نمایه های زیبادی از توجه به این سبقت دیده می شود، و «لابسیاری از عالمان و مریان» اخلاقی از آن استفاده می کرده اند اما باور «علم اثبات علمی این سبقت و کشف قوانین در برابر به آن از عوقيبهای علم آوران آخر است.

اکنون به پیشمند این اصل چگونه مورد استفاده قرار گرفت؟ آیا امتداد کفایات بزرگشکن-  
فلاتپنیلین - مورد استفاده سهیجع فراغ کروکت - همان‌وقایع پیوچیدگی «چندجا به بودن» مسائل  
دوایی ازیکلوفن - از نیاطاموسونج با خواسته‌ها و تمایلات بشر که خود اثنا خواه در کورکردن  
صبرت نایبردارد از طرف فردیگر، نکاشت آن استفاده‌ای که باشد بشود سوت گیرد، بلکه خود  
این اصل رها نهاده و مولهای شده در جسم مخالف بقیه مواد، ایسکو-جفات سر کوب شدن غراف و  
پیدایش آثار خطر بالکردن و اجتماعی ناشی از آن خسوساً درین مینه‌اور حسن پیشتر فراهم  
گردید، بر عین دسته‌ها و نایبر کوپهای دوایی افزوده گردد، آمارد پیاره‌وارهای دوایی، جنوب‌لها - شوه -  
کشیدها، جنایتها، دلهره‌ها و اضطراب‌ها، رأمهایا و بدینشی‌ها، سعادت‌ها و گئنه‌ها بصورت  
و هشتگانگی الارود،

چهارمین برازیلیکه سر کوب نکردن غرایی معنی آزادگشائیها، و آزادگشائی های اجتماعی را در تمام قبود و محدود و مقرر انتخیرند. پس از آنکه قریانهله شورت پرست  
بنوان امری هنافی اخلاقی عامل بر هم زدن آرامش روس و مخلل پلتم اسلامی و بنوان  
غوغی اخراج و پیماری توسمه و تبلیغ شود، پاک بزار ورق بو گشت و سقجه می خوردند. جلو  
گردیده از هرات و هابند بودن بست و فتو و تحمل قبود و محدود اخلاقی و ایشانی عامل  
بر هم زدن آرامش روسی و مخلل پلتم اجتماعی و از همه بالاتر امری داد اخلاق و عذیب ایشان  
صریح شد.

فیاضها و لذت‌شده؛ مسجد و دینه ارا برداشتاریسته هر قدم آزادی و کیمیهای وعد او تهای اکنون  
خورد، خفت را از میان برداشت، عادل‌آیا آرام و بگیرد و نظم این‌جهاتی هم برقرار گردد آزادی مطلق  
از این‌گاه تا پیمانه‌ی های روانی در این راسته بودند.

بدریں است ایندیچنگ فریتھے هناری تورین و دلبلیری، بخوان اسلحه عقاده اخلاقی و  
ایستادگی، مطر قراران زیاده خسوسی در میان جوانان محروم بوده است.

نامدارانهای اخلاقی و اجتماعی فرازگرد، هم قال است و هم نهادا. هم کارجویی است و هم خدمت باغر، هم تنبر ورزی است، و هم اصلاح نفس، هم ثروت است و هم اخلاقی. عیشادت، پنهانی، هزاری، که در میان پرخی از مشهورین باشند خودها معقول بود، بست، بخلافان پیرکار که از معاشرین شاهزادی زیباروی بیرون گردید و این کار اوسلوک الی الله

نتیجه چه شد؟ از اول معلوم بود، آیا بهار پهای روانی مدوم شد؟ آرامش دوختن  
سای اشاره ای و لوره اگر نداشت، خیر، هنالئانه نتیجه معکوس بخشدید، بد بخشی بر بد بخشی ای  
بینی افروز، ها آیا که بعضی از پیشنهادان آزادی جنسی که زیور شتر بود نمی خود را به  
سور تفسیر و تاویل رسک گرفتهند، گفتن از از حد و درجه رات اجتماعی چاره ای نیست غیر برداز  
راه تنشیت جنسی فیتوان طلود کامل ارشاد و اشباع کرده، بايد دهن را متوجه مسائل  
عالی هنری و فناوری گرد و غریر درا طلود غیر مستقیم بسوی این امور عدایت نموده فروید یکی  
از این افراد است.

اخلاقی که اشتبال و اسلی از آن تبلیغ می‌کنند و نام آن را اخلاق نوین گذاشتند اند همان است که نویس اش آتشگی بیش از پیش غیر اخلاق و تهاجمی است و برخلاف مدعای آنها که اخلاقی که در انتقام به آشنازی ساختن روح می‌کنند، سیاستمن اخلاقی خود آنها سزاواران این اتهام است. امروز بدینهای احتمالی خاص و بهارت دیگر مشکلات اجتماعی عجصوصی پیدا شده که اندکار علم انسان را بعدها بخوبی دانسته است.

در سراسر امر و زرگواران بطور مخصوصی از ازادوایج شانه خالی میکنند، حاصلکنی و زایدین  
و پیغمبر که کردن پسروت امر منعوری برای زان در آمده است، زمان بهاء زره امر خانه گفت  
علاوه نشان میدهد از ازادوایچا که نموده وحدت دور وحش است جز در میان طبقاتی که بدین راست  
است بخوبی کوئی باشدند که تن دیده مشود، جنگ اعصاب بیش از بیش رو به افزایش است با اخراجها  
آنکه دوس هجدهی مخصوص داشته و است. گروهی همچو اهمندیان عوادض دلایل معموری انقلاب  
نهضتی خود را باشد و راه را گفت را بتوسل به پسر بدلیل هنندگ دوصور تیکه اینهاد بطریادی بزندگی  
ستیعی و ایمان رفتن را کی کشاورزی ندارد، این هوا روش ناشی از بیکاری و باصلالح انقلاب

فرموده بگذشتند که میتوانند این پیشنهاد را پذیرفته باشند، اما برای اینکه مسخر طوالانه شود

از اقل و انتقام آنها متوجه دادنی هستیم.

حقیقت اینست اثبات غایب علیمیش غیره و سر کوب نکردن آن با استنبط است حد آزادی جنسی و رفع تردید موادیں اخلاقی سلطیحیگان اثبات غیره باره مایت اسل عنف و تقوی مبنای نیست بلکه اینها در مساید عفت و تراویست که میتوان غیره را بعد کمال اثبات کرد و غالباً همچنانی از حما و ناراجینیها و احساس معزدیهای دسر کوب شدن های ناشی از آن همچنان را گفت.

بهم از تدبیری میگذرد و درین دادن استعدادهای غیر از در درادن به همراهها و آنها ماعنی باشند. نایابی است.

یک از هنرمندان و امپاراژات ایران از حیوانات ایشت که دو نوع «بل و تمنا در وجود داشت ممکن است پیدا شود: تمناهای سادق، تمناهای کاذب.

تمناهای سادق همانهاست که مقتنای طبیعت اصلی است، در وجود هر آسانی طبیعت میل به صفاتی داشتند، بقدور توسلط، بسیار جنس، بقدور خودن دامال اینهاست؛ هر یک از اینها عجیب و حکمت دارد، بل و تمنا همچو اینها مجددند.

دلیل عدم اینها ممکن است در میان هیک تسلیمانی کاذب واقع شود، آنها را گذاری که افراد در سوراخ خود زده اند باعینکند مشهور و معروف هست.

در بعض از میادوخته از که برپه شن، اذ آنها است این تقدیم عالمی بجهودت سک علیش  
خدمتی، به عنایت و ایمان نسبت نیافریده است.

غیر مطبیس و اینشان اشیاع کرد. امانتنای گاذب خسوساً اگر شکل علش روی  
بخود بگذارد، اشیاع بدینه نیست.

اشتباه کنی که برای جلوگیری از سرکوبی خر الز و بستلور پیشنهاد استفاده از هارلریم  
اخلاقی آزاد و اپاصللاح پیشنهاد کردند. عاقی اذای ایام است که این تفاوت شکرگ انسان و خود را  
نمیگیرد. هرچند میتواند این اتفاق را در اینجا نمایم، اما این اتفاق را در اینجا نمایم.

۵۰ پیغمبر نبی مصطفیٰ علیه السلام که نہ میں بدی چاہیے درست سان یعنی حضرت اسی نے  
چند درجہ بینہ پر اقتضایات، چند روزہ سیاستگوں و سلطنتی بیکران و چند دنہ  
امور جنسی اگرچہ بینہ سادگی پر اپنے بھرپوری پوچند در ہیچ حدی ترقق شکنند، خیال کردند  
کہ حاجتِ حسنس دل و وجود پر فی المثل طور حاجت طیبیں ہی کسی به ادار و خالی کروں  
مانناشد، منع و حبس اور ادا لاطر برخی مختار اور اوانی دارہ، اماحالی کردن آن حدود و  
شر افعال ندارہ، اگر فرجاً کس قسم یتمد کوچھا و خیابانی محل ملائی پہاکز و مجاہی  
پر ادار و ریا پہ بوس از عقد حاجت پا آئی تو جویں تھے احمد کردہ۔

خایات جهالت است که شرط جنسی ، یا شرط زندگانی باشود . این مقوله کمیم و عوارض تبلیل بادیم و تو خود را تنها به چنین های محرج میست و انتابع شدن لذتیز معمولی کمیم .  
حیوت آور و بیان این ایده مختصرالدرا نماید .  
اگر اسان داریم زمینهای ما تند حیوانات طارقیت محدود و بیان پذیری میباشد  
استیاج شرط ایقونات ایمانی و نه سترات اقتصادی و نه بضررات جنسی ، از ظاهر اخلاقی  
پیر نهایتی با خلاصه ای اجتماعی نویه نهایا خلاق اقتصادی و نهایا خلاق جنسی . همان طرقیت  
محدود طبیعی معمشکلات را اجلی میکرد .  
اما صفت ایقونات اخلاقی محدود گفته شده ، دور روابط اجتماعی و امور اقتصادی و  
از عذر و توانای سیاسی اجتماعی ، گزیری نیست ایقونات اخلاقی محدود گفته جنسی و از  
عنوان تواری جنسی ، نیز گزیری نمیباشد . (۱)

(۱) مکتب اسلام - در دو شماره گذشته از اخبار اخیر این روزنامه ای تاشی از درگذشت والده محترم و نویسنده داشتمداین سلسله مقالات، دنیا الایران پیوسته قلمی شده بود. خوشبختیم که از این شماره غالباً آنرا در اختیار خواهند گذاشت کسانی مختصر فرموند.

شیوه مسجید

پدیده‌سیله از علوم خوانندگان مجله مکتب اسلام تقاضا  
می‌نموده و نامه‌هایی که برای پذیرفته باشیم به سؤالات خود پاسخ  
دهنده‌هار سوال پیدارند. آدرس پاسخ در ورشن خود را پیوستند،  
برای اگاهی سؤالات آنها جنبه‌هایی تدارد که در درجه‌های در پیش  
پاسخ سؤالات خوانندگان، مطرح شود.  
ازین قتل برخی از پژوهش‌های آنها بر اثر بودن آدرس  
کامل در جواب‌هایان، و احیاناً با نامه‌های دیگری از مسئول  
پیکنند، که هر ایسوز الات آنها در درجه‌های جواب نداده‌اند.  
ازین قتل را کجدهستند، هر گونه‌هایی که برای این پرسش  
آدرس خود را در پیغام نمایند، پرسش‌های در درجه‌های پاسخ‌نمایی  
آنها در مجله نوشته شود، بدون استثناء سؤالات آنها را مطرح  
می‌کنیم.